

چند نکته درباره منشأ خط و سهم ایران در این بزرگترین اختراع بشری

د از قول راولین سن گفته شده که مادیها سبب شدند تا ایرانیها بجای الواح گلی کاغذ پوستی و قلم بکار برند. میتوان تصور نمود که نوشته‌های مادیها از همین لحاظ که روی کاغذ پوستی بوده پوسیده و از بین رفته است. ولی این گفته عمومیت نمی‌تواند داشته باشد چه میتوان متقاعد شد در حالیکه تمام کشورهای آسیای غربی نوشته‌های خود را روی خشت‌های گلی مینوشته‌اند از مادیها و پارسیها که خط خود را از آنها اقتباس کرده باشند کلیه کتیبه‌های خود را روی پوست نوشته باشند و همه پوسیده و از بین رفته باشد خصوصاً اینکه پیدایش دو قبائل پوستی مربوط بزمان اشکانیان در « اورامان » ثابت نمود که چنانچه نوشته‌هایی روی پوست بود خاك و هوای ایران مناسب برای نگاهداری آنها بود و چنانچه نظایری داشته بین حفاریها دیده شده بود. قدیمترین نوشته پوستی که در ایران پیدا شده دو قباله مکشوفه در اورامان است مربوط به سده اول پیش از میلاد که یکی بخط پهلوی اشکانی و دیگر بخط یونانیست .

ولی بنظر نگارنده رأی آقای علی‌سامی درباره نوشته ایرانیان روی چرم یا پارچه صحیح نیست - زیرا همین پیدا شدن دو قباله مشکوفه در اورامان بهترین دلیل است که چنین وسیله‌ای برای ثبت معاملات یا افکار و عقاید در ایران وجود داشته است - در تواریخ مذکور است که اوستا را زرتشت روی دوازده هزار پوست گاو در دو نسخه نوشت - بعلاوه بخوبی اطلاع داریم که نامه‌های بزرگان و خاصه نامه‌ها و فرامین شاهان ایران اغلب روی حریر نوشته میشده و در این باره در شاهنامه مکرر آثاری باقی مانده و همین امر که در جی مکاتیبی از دوره‌های قدیم ایران در اوایل دوره اسلامی بدست آمده بهترین دلیل بر صحت این فرضیه است . بنظر نگارنده بسیاری از آثار مشکوفه در خارج از حدود ایران نیز این نظر را تأیید میکند که خط مردم قسمت شرقی ایران در مالک تابعه آن بر تو زیا پوست حیوانات نوشته میشده و وسیله نگارش قلم بوده و خط آن خطی است که بلفظ و بدلائل خاصی از اواسط قرن نوزدهم آنرا آرامی خوانده‌اند و این خط با سابقه چندین هزار ساله اش خطی ایرانی و بسیار قدیمتر از عهدیست که برای فنیقیها و آرامی‌ها اخیراً ساخته و پرداخته‌اند و علت پیدا نشدن نوشته‌هایی بخط پارسی در فلات ایران همین فناپذیری حریر و پوست درخت و پارشمن است .

۴- گفته شده است که مادر همه خطوط هجائی خط فنیقی است و گفته شده که خط فنیقی در هزاره دوم پیش از میلاد اختراع شده و شامل ۲۲ حرف بوده است. قدیمترین خط فنیقی بدست آمده روی تابوتی است در شهر کوتیکه متعلق به پادشاه اخیرم Akiram. تاریخ این نوشته را حدود سده سیزدهم پیش از میلاد میدانند - حروف این الفبا همه بیصدا بوده است - یونانیها خود معترفند که کتابت را از فنیقی ها آموخته اند - منتهی سه حرف صدادار بآن افزوده اند تا نقص این الفبای آسان را رفع نمایند . - (صفحه ۹ - ۱۰۸ تمدن هخامنشی).

همچنین گفته شده است که خط فنیقی بواسطه تجارت بابل در حدود سده هشتم پیش از میلاد از راه خلیج فارس و اقیانوس هند به هندوستان رفت و خط سانسکریت هند از آن خط گرفته شد . الفبای سانسکریت ۴۶ علامت دارد ۲۳ حرف بیصدا و ۲۳ حرف صدادار و سه علامت روی حروف نیز دارد و گویند در قرن نهم یا هشتم پیش از میلاد شاید در اویداها در نتیجه رفت و آمد با آسیای غربی از روی خط آرامی اقتباس کرده بنام خط برهما و همراه خود به هند بردند و سایر خطوط هند منشعب از همین خط است (صفحه ۱۱۱-۱۱۰) تمدن هخامنشی.

حال چند نکته جالب در این امر وجود دارد -

الف- هرودوت در ابتدای شروع کتاب خود مینویسد « بنا بر گفته پارسیانی که بهترین اطلاعات تاریخی را دارند جدال را فنیقیها آغاز کردند - این مردمان که سابقاً در سواحل دریای سرخ سکنی داشتند بسواحل مدیترانه مهاجرت کردند و در سرزمینی که اکنون در آنجا هستند فرود آمدند . »

رالینسون فقید که هرودوت را با نگلیسی ترجمه نموده در زیر همین صفحه توضیح درباره دریای سرخ داده مینویسد منظور هرودوت از دریای سرخ در واقع اقیانوس هند و خلیج فارس میباشد . بنا بر این طبق این گفته فنیقیها از خلیج فارس بسوی اروپا رفته اند و محققاً با خود خط فارسی را چنانکه دیدیم در عهد شوش اول در این منطقه معمول بوده برده اند .

در جغرافیای حدود العالم که در ۲۷ هجری تألیف شده و از قدیمترین کتب

جغرافیای اسلام است در صفحه ۷۴ چاپ تهران اینطور نوشته شده:

«فنیکی وراماسل در حدود مکران دو شهرند با خواسته بسیار و بدریا نزدیک و برکنار بیابان نهاده» و این امر مؤید تفرقه قبلی است که فنیقیها از خلیج فارس به اروپا رفته در آنجا مستقر شده اند.

ب - خط آرامی و لفظ آرامی از کجا آمده و منشأ آن چیست ؟

نخستین کسیکه خط معمولی و متعارفی زمان هخامنشیان را پس از خطوط میخی خط آرامی دانست کلره و نت گانو Clermont Ganneau میباشد که حدس و نظریه او مورد تأیید سایر محققین و اساتید خطوط قدیم قرار گرفت.^۱

در چاپ هفتم دایرة المعارف بریتانیکا (۱۸۴۲) ملاحظه میشود که اصطلاح «آرامی» در صد و اندی سال پیش هنوز کلمه مأثور و مشهوری نبوده است که همه آنرا بدانند زیرا بموجب فهرست در کلیه مجلدات مفصل بیست گانه این چاپ فقط در یک جا کلمه آرامی را بکار برده و در آن یک جا هم برای اطلاع خوانندگان نوشته است «آرامی» یا «سریانی»^۱ در ترجمه انگلیسی تورات کتاب عزرا چاپ چهارم ذکر شده است که در زمان اردشیر بشلام و مترادات و سایر رفقای ایشان بارتخششتا پادشاه فارس نامه نوشتند و مکتوب بخط Syrian سریانی نوشته شد و معنیش در زبان سریانی (Syrian) بود و (البته در ترجمه فارسی تورات که بسیار نسبت بترجمه انگلیسی متأخر است در هر دو جا بجای کلمه سریانی «آرامی» نوشته شده است.)

از طرفی ابن ندیم و حمزه اصفهانی که مورخین صدر اسلام هستند و راجع بخط مطالبی نوشته اند از خطی بنام آرامی اسم نبرده اند. اما ابن ندیم در کتاب فهرست خود بنقل از ابن مقفع مینویسد که «زبانهای فارسی عبارت از پهلوی - دری فارسی - خوزی و فارسی است . . . و سریانی زبان همگانی و نوشتن هم نوعی از زبان سریانی فارسی بوده است». در جلد اول تاریخ یعقوبی آمده است که «لغت اشکانیان سریانی است و بان سخن میگویند و می نویسد .»^۲

۱- تاریخ تمدن هخامنشی آقای علی سامی - صفحه ۲۷۳ .

۲- خط و فرهنگ ایران، استاد بهروز صفحه ۱۸۱

ما در بند ۲ این مقاله ذکر کردیم نقل میکنند می‌افزاید که «نوشته‌های روی پوست البته با آرامی بوده و بنا بر این ایندو نامه در دسترس همه کسانی بود که با زبان سوداگری و سیاستمداری جاری آشنا بودند. ۱» و در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد :-

«آرامی تا زمان داریوش هم چون زبان عادی دیوان هخامنشی در رابطه اش با شهرستان غربی برقرار شده بود چنانکه از فرمانهای شاهانه به یهودیها از زمان کوروش پیعده که در عزرا داده شد ثابت میشود الفبای آرامی آنگاه برای نوشتن پارسی بکار برده میشد. ۲»

هیچیک از ایندو گفته آقای امستد متکی بمدرک واقعی نیست زیرا اولاً با در نظر گرفتن مکاتیبی که از عهد هخامنشی در بابل بدست آمده زبان سوداگری و سیاستمداری در بابل مطلقاً زبان باصطلاح آرامی نبود بلکه بخط میخی و به زبان بابلی و آشوری تمام معاملات انجام میشده است و بعلاوه چنانکه دیدیم زبانی و خطی که در کتاب عزرا از آن سخن بمیان آمده زبان و خط سریانی (سوریانی) بود که یکی از زبانهای کاملاً معمول ایرانیان بوده است. یهودیان مخصوصاً بجای عبری بزبان سریانی (سوریانی) نامه نوشته‌اند تا اردشیر پادشاه ایران شخصاً قادر بخواندن آن باشد ولی همین عزرا دادنامه نوین یهود را طبق دستور اردشیر به عبری که زبان رسمی یهودیان بود نوشت - بعلاوه گفته فقره ۹ باب هشتم استر بخوبی مدلل میدارد که پادشاهان ایران فرامین خود را برای کشورهای تابعه بخط و زبان آنان مینوشته‌اند و در این مورد چنین آمده است :-

..... در روز بیست و سوم ماه سوم که ماه سیوان باشد کاتبان پادشاهرا احضار کردند و موافق هر آنچه مردخای امر فرمود به یهودیان و امیران و والیان و رؤسای ملتها یعنی حدود بیست و هفت ولایت که از هند تا حبش بود

۱- ترجمه فهرست ابن ندیم - صفحه ۲۲. ۲- تاریخ شاهنشاهی

ایران - سیاستمداری صفحه ۱۵۸ ۳- میراث باستانی ایران - دکتر فرای

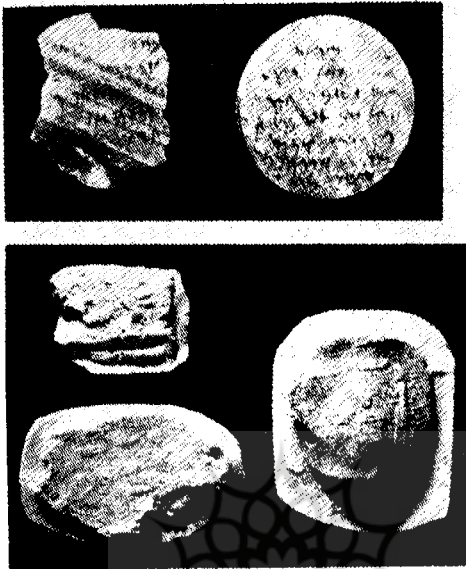
نوشتند - بهرولایت موافق خط آن و بهر قوم موافق زبان آن و به یهودیان موافق خط و زبان ایشان (و همین امر در باب سوم قمره ۱۲ همین کتاب نیز دیده میشود)

از طرفی میدانیم که عزرا دادنامه نوین خود را بر طبق دستور اردشیر به عبری نوشته بود زیرا همه دستورهای مقدس اکنون بقانون بزرگ موسی نسبت داده میشود. بعلاوه قسمتی از کتیبه بیستون روی يك خشت گلی بزبان اکادی بدست آمده و خود مؤید آنست که زبان باصطلاح آرامی زبان سوداگری و سیاستمداری سراسر امپراطوری نبوده است.

۶- پروفورفید ارنست هر تسفلد آلمانی مینویسد که در ۱۹۲۳ وی بیک کتیبه بقول خودش آرامی که تا آن تاریخ کسی متوجه آن نشده بود دست یافته است - در این کتیبه که بسیار محکوک و ویران بود فقط چند کلمه آنرا که « خشیه تیا و زرکا » یعنی « شاه بزرگ » و « ماهیا » یعنی ماه را که بخط (به اصطلاح) آرامی نوشته شده بود پروفور هر تسفلد توانست بخواند « آنگاه وی چنین نتیجه میگیرد که استعمال خط آرامی برای نوشتن زبان فارسی يك اختراع داریوش بود و آنقدر این مسئله را وی مهم انگاشته که لازم دانسته در کتیبه بیستون از آن نام ببرد (کجای کتیبه چنین اشاره کرده است؟) محققاً این طرز نگارش يك سیستم خط نویسی بود که ما آنرا بطور غیر صحیح بهلوی یا پارتی خوانده ایم و فرته داران پارس بموجب سکه هائی که از آنها باقیمانده استعمال آنرا ادامه دادند و تا عهد ساسانی دنباله یافت - در هیچ زمان ما به انقطاع این روش خط نویسی در دوره قدیم بر نمیخوریم . »^۱

در تخت جمشید اغلب ها و نه های سنگی و دسته ها و نه ها و بشقابهای ظریف سنگی خط باصطلاح آرامی یا بهتر بگوئیم سوریانی یا مرکب سیاه ثابت دارد که بعضی را در موزه تخت جمشید نگاهداری مینمایند و بعضی دیگر را بموزه ایران باستان (تهران) منتقل نموده اند. در جزو این اشیاء يك بشقاب سنگی برنگ ماشی میباشد که در سال ۱۳۲۸ سالم و بدون عیب ضمن خاکبرداری در خیابان کنار کوه رحمت بدست آمده است و چند سطر خط باصطلاح آرامی یا بهتر بگوئیم سوریانی در روی سنگ نیم در شمالی تالار موزه (در قسمت خارج) با شیئی نوک تیزی حک

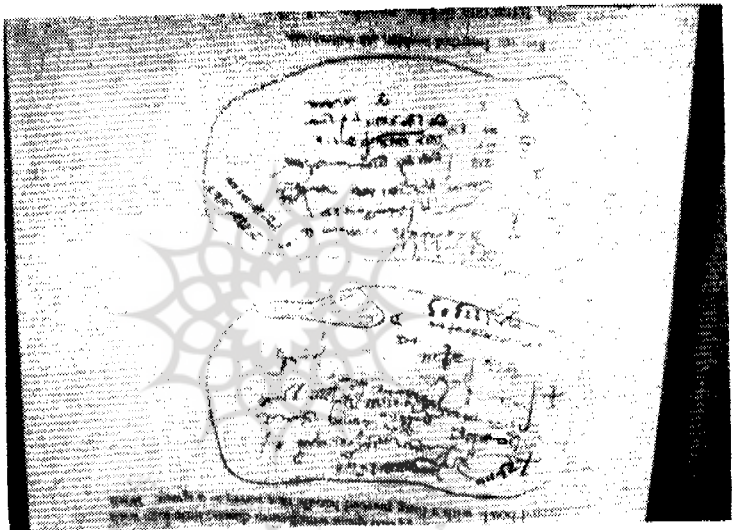
شده و مهرهایی نیز بخط باصطلاح آرامی یافت گردیده است. رجوع شود به شکل زیر:



سکه‌های فرته داران همه بخط باصطلاح آرامی بزعم باستان‌شناسان و محققین و سوریانی بزعم نگارنده این سطوره میباشند و روشنترین گواه رواج خط سوریانی باقلم و مرکب روی سطحی صیقلی میباشد. از این قبیل آثار در سراسر مناطق ایران بچشم میخورند. در کتیبه‌ای که بدوزبان یونانی و خط باصطلاح آرامی (سوریانی) در قندهار پیدا شده لغات قدیمی ایرانی در کتیبه بکار رفته و در کتیبه‌ای بخط باصطلاح آرامی که در تاناکسیلا در پاکستان و لتمان در هندوستان یافت شده لغات پراکریتی بکار برده شده و ثابت میکند که همه جا از این خط برای نوشتن زبان محلی استفاده شده است.

در مصر اسناد بسیار بخط باصطلاح آرامی روی پاپیروس یا چرم مربوط به زمان هخامنشیان دیده شده است مخصوصاً در چند سال پیش خورجینی چرمی در یکقطعه مرزی نوپیدا در سودان بدست آمد که فرامین ارشام حاکم مصر از طرف ایران بخط باصطلاح آرامی روی آن نوشته شده است. کتیبه چرمی مزبور محتوی ۱۳ نامه بخط باصطلاح آرامی بود که ده نامه آن از طرف ارشام صادر

و سه نامه دیگر با او نماینده اش نهتی هور مر بوطست . موضوع نوشته ها مر بوط به املاک و مسائل عادی و فرامین ارشام شهر بان مصر و یاسایر بزرگان ایرانی در مصر است و با وجودیکه در بین این نوشته ها نامه های بافتی یافت شد که از یک نفر پارسی به یک نفر پارسی دیگر نوشته شده است با سنا نشناسان میخوانند بما بقولا نند که زبان مزبور زبان قومی یهودیست که ایرانیان فرمانروا آموخته اند تا بتوانند بین خودشان مکاتبه نمایند - فی المثل باین جمله که آقای علی سامی از کتاب پروفیسور G. R. Driver استاد قه اللنة زبانهای سامی در دانشگاه اکسفورد نقل کرده توجه فرمائید مینویسد :



سنگ مکتوب مر بوط به هزاره چهارم پیش از میلاد یافت شده در شوش

« يك قطعه كاغذ مر بوط بسال ۵۱۰ پیش از میلاد یعنی سال دوازدهم سلطنت داریوش کبیر در مصر یافته اند که کارکنان يك ناودولتی که در رود نیل کار میکردند بفرماندهشان بنام مهرداد اشلاع میدهند که ناو نیازمند مرمت است مهرداد به ارشام گزارش میدهد و او دستور تمیر ناو را صادر مینماید . تقاضای فرمانده دستور فرماندار هردو بزبان آرامی نوشته شده در صورتیکه هردو ایرانی بوده اند ... » آیا این امر باور کردنی است - آیا آقایان بمیل خود و بدلیخواه این نامه ها را خدای نکرده تعبیر و تفسیر نکرده اند - و زبان نامه را اشتباهی آرامی نخوانده اند ؟

آقای ولادیمیر لوکونین در کتاب باستان‌شناسی جهان جلد دوم مربوط به ایران خود یک موضوع جالبی را نقل میکند که انسان را بفرکر کردن وامیدارد. وی مینویسد:-

« در خواندن بسیاری از اسناد بدست آمده در نسا واقع در ترکستان شوروی خیلی مشکل است که تصمیم گرفته شود که یک کلمه‌ای آرامی است یا فارسی و نمیتوان تصمیم قطعی گرفت که آیا یک سند معین را باید با آرامی خواند و ترجمه کرد یا بفارسی - واضح است که معنی متن سند بسته به انتخابی که ما بکنیم اختلاف زیادی پیدا میکند. » و سپس بعنوان مثال ترجمه سند زیر را که بوسیله دونفر از دانشمندان زبان‌شناس ترجمه شده نقل میکند - وی مینویسد :

« برای بار اول این سند را یک دانشمند آلمانی موسوم به « فرانک التهایم Frank Altheim » خوانده وی تصمیم گرفت متن سند بزبان آرامی نوشته شده و بنا براین وی این سند را چنین ترجمه کرد :

« اوتی خیوس از اربابان ما برای تو خواهیم آورد و او ۲۰۶ عدد دریافت خواهد کرد ؟ .. »

همین سند را دانشمندان روسی آقایان دیاکونوف و لوشیتسر فارسی تصور کردند و چنین ترجمه نمودند :

« در این ظرف از پردازنده باج پاکستان معروف به هندوکان ۱۶ ماری شراب... »^۲

آیا این امر را نسبت به ترجمه آثار گذشتگان که بدست محققین و دانشمندان خارجی شده ظننن نمیسازد و بما اجازه نمیدهد که کمی باشک و تردید به نتیجه تحقیقات آنان بنگریم ؟

نتیجه - بادر نظر گرفتن نوشته روی سنگ مربوط به هزاره چهارم پیش

۱- تمدن هخامنشی صفحه ۲۶۹ ج ۱ .

۲- صفحات ۱۳ و ۱۴ , Archeologie Munai , Persia

Vladimir Lukonin !

از میلاد که در شوش یافت شده و بادر نظر گرفتن اینکه در تمام دوره هخامنشی ایرانیان را از خط سیریانی یا سوریانی برای مکاتبات خصوصی بین خود استفاده نموده‌اند و بادر نظر گرفتن اینکه کتیبه‌ای در تخت جمشید از اردشیر اول یا داریوش یافت شده که بخط سوریانی بوده و بادر نظر گرفتن تأیید باستان‌شناسان در مورد اینکه در مشرق ایران نیز زبان محلی در قالب خط سوریانی گنجانیده شده و بادر نظر گرفتن اینکه اصطلاح آرامی يك اصطلاح اخیر و بمنظورهای خاصی ساخته و پرداخته شده باین نتیجه میرسیم که ایرانیان را از دوره‌های بسیار قدیم و باستانی علاوه بر خط میخی که در کتیبه‌ها در قسمت غربی خاک ایران چه در شوش و چه در سایر نقاط شمالی آن مورد استفاده بوده و بر سنگ یا خشت گلی آنها را مینوشته‌اند - خط دیگری بوده که آنها با قلم و مرکب بر سنگ‌های صیقلی یا چرم یا پوست درخت توز مینوشته‌اند و بعداً همین خط که ایرانیان آنها سوریانی (و محققاً این خط رابطه‌ای با خورشید دارد و از سوریا می‌آید) یا آریائی میخوانده‌اند مورد پذیرش مردم شرق و غرب ایران قرار گرفته و هر ملتی زبان خود را با این خط نوشته و بالاخره توسط فنیقی‌ها به اروپا برده شده - البته این فرضیه‌ایست که در مقابل فرضیه‌های دیگر موجود، بایستی بعدها مدارک جدید و کار مداوم صحت آنها بثبوت رسانند .

حمید فیرنوری

اشتباهات قسمت اول مقاله

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۶۳	۸	۲۴	۴۲
۱۰۶۴	زیر نویسی	MecoUeneu	Mecqueneu
۱۰۶۵	۲۶	پرچمی	چرمی
۱۰۶۶	۱۲	اختلاف المزیجات	اختلاف الزیجات